

عهد آست

نصرالله پورجوادی

(چاپ دوّم با اصلاحات)



فرهنگ معاصر
تهران ۱۳۹۵

فهرست

- پیشگفتار چاپ دوم ۱۵
- مقدمه ۱۷
- ۱: پرسشهایی دربارهٔ عهد اَلَّت ۲۷
- حدیث عمر ۲۸
- در تفسیر سوراآبادی ۳۰
- پرسش و پاسخ غزالی ۳۱
- سؤالات رشیدالدین فضل الله همدانی ۳۲
- ۲: قصهٔ میثاق ۳۵
- کی و کجا؟ ۳۶
- در دستان خدا ۳۹
- روز سرنوشت ۴۲
- امت واحد ۴۹
- پیماں پیامبران و دانشمندان ۵۰
- اصحاب یمین و اصحاب شمال، ذرّیّات سپید و ذرّیّات سیاه ۵۴
- حجرالاسود و پایان ماجرا ۵۸
- قصهٔ مردانه ۶۲
- ۳: امامت علی (ع) در میثاق (نظر شیعه دربارهٔ قصهٔ میثاق) ۶۳
- قصه‌ای همگانی ۶۳
- قصهٔ میثاق نزد شیعه ۶۴

۲۳۲ یُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ

۲۳۳ عشق ازلی و ابدی

۱۳: جلال‌الدین رومی و سلطان‌ولد ۲۳۵

۲۳۵ دو نوع وجود

۲۳۶ سه دسته بلی‌گو

۲۳۷ یادآوری چیست؟

۲۳۸ حقیقت کلام الهی

۲۴۰ هست شدن با بلی گفتن

۲۴۲ پس از مولانا

۲۴۴ دلبر روز آلت

۲۴۷ نور آلت

۲۴۷ باده کهنه خدا

۲۴۸ شراب لایزالی

۲۵۰ سلطان‌ولد

۱۴: شبستری و لاهیجی ۲۵۵

۲۵۵ گلشن راز شبستری و شرح لاهیجی

۱۵: فخرالدین عراقی (کلمه «کُن» به جای خطاب «آلت») ۲۶۱

۲۶۱ کُن به جای آلت در لمعات

۲۶۵ باده آلت و نیم‌مستی

۲۶۶ در جام جهان‌نمای اول

۲۶۸ چشم مست ساقی

۲۷۰ کُن به جای آلت در دیوان

۱۶: نزاری قهستانی ۲۷۷

۲۷۷ آلت عشق و کُن وجود

۲۷۹ عهد عشق، مستی، دیوانگی

۲۸۲ بالاتر از دنیا و آخرت

۲۸۵ فطرت

۱۷۹ معنای لغوی فطرت

۱۷۹ فطرت از نظر تستری و غزالی

۱۸۳ رشیدالدین فضل‌الله

۱۸۷ اقرار یعنی بودن

۹: معرفت ازلی و علم لدنی (در فلسفه و عرفان) ۱۸۹

۱۸۹ در روان‌شناسی اخوان‌الصفاء

۱۹۲ شناخت عالم کبیر در روز الست

۱۹۴ معرفت روح

۱۰: پیروان ابن عربی ۱۹۷

۱۹۷ فرغانی و عالم مثال

۱۹۹ داوود قیصری و میثاق دوگانه

۲۰۰ سیدحیدر آملی

۱۱: در اشعار عطار ۲۰۳

۲۰۳ شعر پیش از عطار

۲۰۴ دو حیات

۲۰۷ پاسخ به فرشتگان در قبر

۲۰۸ بلا نشان دوستی است

۲۱۰ شوق زمین و آسمان

۲۱۱ در خرابات عشق

۲۱۴ آلت عشق و بلی نفس

۱۲: نجم‌الدین رازی ۲۱۹

۲۲۰ در عالم امر

۲۲۱ وجود و عدم در عالم امر

۲۲۳ دل

۲۲۴ گروههای سه‌گانه و صفوف چهارگانه

۲۲۹ قوای ادراک ذرات

۲۲۹ میثاق سابقون

- ۲۸۶ مستی لایزالی
 ۲۸۸ بی‌اختیاری عاشق
 ۲۸۹ تکرار شاعرانه عهد آلت

۱۷: مستی ابدی ۲۹۵

- ۲۹۶ عزالدین عطایی
 ۲۹۹ همام تبریزی
 ۳۰۰ سعدی
 ۳۰۲ خواجوی کرمانی
 ۳۰۷ شاه‌نعت‌الله ولی

۱۸: حافظ ۳۰۹

- ۳۰۹ آلت و ازل
 ۳۱۰ پیمانہ‌کشی از روز آلت
 ۳۱۱ سر قضا
 ۳۱۳ عهد بستن با ممدوح
 ۳۱۵ دایره قسمت
 ۳۱۶ تکرار اسطوره
 ۳۱۸ لب شیرین دهنان و شراب صبح

پیوست

- ۳۲۳ یادداشت
 ۳۲۴ درباره عهد آلت
 ۳۲۹ نمایه
 ۳۴۱ فهرست آیات و احادیث
 ۳۴۵ کتابنامه

پرسشهایی دربارهٔ عهد اَلْسْت

در آغاز آفرینش آدم ماجرای رخ می‌دهد که در آن خدا و همهٔ افراد بشر، از آدم گرفته تا آخرین فرزندی که از او به دنیا خواهد آمد، در آن شرکت دارند و بنا بر آیه‌ای از قرآن، خدا با همهٔ آنان سخن می‌گوید و عهد می‌بندد. دربارهٔ جزئیات این واقعه که به عهد اَلْسْت و میثاق اَوَّل معروف شده روایتهای مختلف و متعدد در همان قرون اولیه تاریخ اسلام شکل گرفته است و داستان به تدریج از صورت اسطوره‌ای ساده خارج شده و بر اثر خیال‌پردازیها و نظریه‌پردازیهای گوناگون در تفسیر و تأویل آن آیه، بحثهایی عرفانی و مابعدطبیعی در باب خلقت انسان، فطرت او، نسبت او با خداوند و با هم‌نوعانش مطرح گردیده است. دورنمایی از این تأویلهای و تفسیرها، و بحثها و نظریه‌ها را کم‌وبیش در همان پرسشهایی که به‌طورکلی از ابتدا دربارهٔ این ماجرای اسطوره‌ای و آیهٔ مربوط به آن مطرح شده است می‌توان ملاحظه کرد.

۱. عهد السْت را میثاق اَوَّل خوانده‌اند چون در میان میثاقهای متعدد اولین است. آخرین میثاق هم عهدی است که هر پیغمبری با قوم خویش می‌بندد (نک. میبدی، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۲۷۷). سعیدالدین فرغانی در منتهی المدارک (ص ۳۲۷) تعداد موثقی را از نظر ابن‌فارض چهار تا دانسته است. اما سعدالدین حَمَوِیَه (ف. ۶۵۰) در ملاقات با صدرالدین قونوی موثقی را هفت و ابن‌عربی، بنا به قول صدرالدین قونوی، تعداد آنها را بیش از این می‌پنداشته است (فرغانی، منتهی المدارک، ص ۳۲۸؛ جامی، نفحات الانس، ص ۲-۴۳۱).

حدیث عمر

موضوع عهد الست فقط در يك آیه از قرآن، آیه ۱۷۲ از سورة اعراف، آمده است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾. این آیه مانند بسیاری از آیات قرآن از همان ابتدا، در زمان حضرت محمد (ص) و صحابه و سپس تابعان و اتباع ایشان، نیازمند به تفسیر بوده است. برخی از مفسران این ماجرا را در همین عالم و در آغاز خلقت می دانستند، و برخی، در قرنهای بعدی، آن را مربوط به عالمی دیگر می انگاشتند، عالمی که خود پیش از عالم دنیا بوده است. گروهی از قدریه اصل میثاق را منکر بودند^۱ و گروهی دیگر معتقد بودند که این آیه در شأن یهودیانی نازل شده است که ابتدا به پیغمبر ایمان آوردند و سپس مشرک شدند و گفتند عزیر پسر خداست.^۲ اما عموم اهل سنت و شیعیان، به طور کلی، اصل میثاق را در مورد همه فرزندان آدم می پذیرفتند. ولی در عین حال ماجرای میثاق به پرسشهای متعددی دامن می زد که معمولاً مفسران و متکلمان و صوفیان سعی می کردند با استناد به احادیث و اخباری که درباره میثاق وارد شده بود به آنها پاسخ گویند. برخی از این احادیث خود در پاسخ به پرسشهایی بود که از پیامبر اکرم (ص) می کردند.^۳ مثلاً یکی از آنها، که در واقع معروف ترین و محکم ترین حدیثی است که درباره آیه ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ وجود دارد، از عمر بن خطاب روایت شده است.

حدیث عمر که در منابع معتبر قدیم و برخی از کتابهای صحاح، مانند سنن

ترمذی، هم آمده است با پرسشی که از عمر می کنند آغاز می شود. دقیقاً معلوم نیست که از عمر چه پرسیده اند و می خواستند که او چه مسأله ای را روشن کند. عمر، در پاسخ به آن پرسش، می گوید که به یاد دارد که روزی بعضیها از پیامبر (ص) درباره این آیه سؤال کردند، و حضرت در پاسخ گفت:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ، ثُمَّ مَسَحَ ظَهْرَهُ بِيَمِينِهِ، فَأَخْرَجَ مِنْهُ ذُرِّيَّةً، فَقَالَ: خَلَقْتُ هَؤُلَاءِ لِلْجَنَّةِ وَبِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَعْمَلُونَ. ثُمَّ مَسَحَ ظَهْرَهُ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهُ ذُرِّيَّةً، فَقَالَ: خَلَقْتُ هَؤُلَاءِ لِلنَّارِ وَبِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ يَعْمَلُونَ.^۱

خدا آدم را آفرید. سپس پشت او را با دست راست خود مالید و ذرّیاتی از آن خارج کرد. پس گفت: اینها را برای بهشت آفریدم و همچون بهشتیان عمل خواهند کرد. سپس پشت او را دوباره مالید و ذرّیاتی بیرون آورد و گفت: اینها را برای دوزخ آفریدم و همچون دوزخیان عمل خواهند کرد.

در این حدیث تفاوت آشکاری با آیه الست در قرآن دیده می شود. در قرآن آمده است که ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ یعنی خدا از پشت فرزندان آدم ذرّیات ایشان را بیرون آورد، و حال آنکه در حدیث عمر آمده است که خدا پشت آدم را مالید تا ذرّیات بیرون آیند. همین اختلاف موجب طرح این سؤال شده است که چرا حدیثی که باید آیه قرآن را توضیح دهد و تفسیر کند با آن مغایرت دارد. علاوه بر این، مالیدن پشت آدم یا فرزندان آدم با دست خدا هم خالی از مسأله نبود، آن هم نه با يك دست بلکه با دو دست، که ظاهراً یکی هم دست چپ بوده است. در دنباله حدیث فوق مطلبی هم از زبان رسول اکرم (ص) درباره اعمال خیر و شر همه آدمیان در دنیا آمده است که برخی با استناد به آن گفته اند که روز میثاق روز سرنوشت بوده و خدا در آن

۱. بزودی، اصول الدین، ص ۲۱۳؛ میبیدی، کشف الاسرار، ج ۳، ص ۷۸۶.

۲. زمخشری، کشف، ج ۲، ص ۱۷۷ (عنی بنی آدم أسلاف اليهود الذين أشركوا بالله، حيث قالوا: عزير ابن الله، و بذرياتهم الذين كانوا في عهد رسول الله (ص) من أخلافهم المقتدين بآبائهم)؛ بزودی، اصول الدین، ص ۲۱۳ (و آنها نزلت فی شأن اليهود حيث أنكروا بمحمد (ص) بعد ما كانوا أقروا به و كفروا به بعد ما آمنوا به).

۳. این احادیث را ابن کثیر در قصص الانبياء (ص ۸۴-۶۹) از منابع حدیثی گردآوری کرده است و ما به برخی از آنها در پانوشتها ارجاع خواهیم داد.

۱. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۲۴۹-۲۴۸ (کتاب تفسیر القرآن، حدیث ۳۰۷۵)؛ ابوداود، صحیح، ج ۲، ص ۲۷۳؛ طبری، جامع البیان، ج ۹، ص ۷۷؛ سمرقندی، تفسیر، ج ۱، ص ۵۸۱؛ میبیدی، کشف الاسرار، ج ۳، ص ۷۸۳؛ ثعلبی، قصص الانبياء، ص ۳۴؛ ابن کثیر، قصص الانبياء، ص ۷۵-۷۸ (نقل از صحیح بخاری و دیگران).